

## سخن سردبیر

### اصل مسئولیت و پاسخگویی

کارگزار حکومت در اسلام علاوه بر اینکه در برابر مردم، مسئول و پاسخگوست در برابر خداوند نیز مسئول و پاسخگو است. اگر در مکتب اسلام، کارگزار حکومت از حدود وظایف خویش تجاوز، و از موقعیت و جایگاه خویش سوء استفاده کند، مورد لعن خداوند قرار خواهد گرفت. هم‌چنین پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرمود: «کسی که خود را بر گروهی از مردم مقدم بدارد در حالی که می‌داند بین آنان کسی هست که از او برتر است به تحقیق به خداوند، پیامبر و مسلمانان، خیانت ورزیده است» (الباقلانی، ۱۴۱۴ق: ۴۷۴ به نقل از کدخدایی و فلاح).<sup>۱</sup> این حدیث شریف، قبول مسئولیت از سوی کسی را که می‌داند بین مسلمانان، بهتر از او برای تصدی کار مسلمین وجود دارد، خیانت می‌داند. در حدیث دیگری از پیامبر (ص) وارد شده است: «کسی که یکی از مسلمانان را به عنوان کارگزار برگزیند در حالی که می‌داند بین مسلمانان، شخصی از او بهتر هست که به کتاب خدا و سنت پیامبر، عالمتر است به تحقیق به خدا و پیامبرش و تمام مسلمانان خیانت کرده است» (امینی، ۱۳۹۷ ق، ج ۸: ۲۹۱ به نقل از کدخدایی و فلاح). در حدیث دیگری از امیرالمؤمنین (ع) ذکر شده است: «کسی که شخص خائنی را به کار بگمارد، همانا محمد (ص) در دنیا و آخرت از او بیزار خواهد بود» (المغربی، بی‌تا، ج ۲: ۵۳۱ به نقل از کدخدایی و فلاح). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هم مدیر خائن، مورد لعن خداوند است و هم مسئول مافوق وی که او را به مدیریت و امارت رسانده و یا در ادامه کار که خیانت او آشکار شده است، باز هم با وی مماشات می‌کند و برای عزل او اقدامی نمی‌کند. در اسلام، امارت و حکومت بر مسلمانان، امانت است؛ لذا شخص حاکم و کارگزار در قیامت، مورد سؤال قرار می‌گیرد. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «هیچ امیر و حاکمی نیست که بر ده نفر حکومت کند مگر اینکه در قیامت مورد سؤال واقع خواهد شد» (الهندی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۲۴ به نقل از کدخدایی و فلاح).

خداوند متعال در آیات ۹۲ تا ۹۴ سوره طه می‌فرماید: «قَالَ يَا هَٰرُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا (۹۲) أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي (۹۳) قَالَ يَا أَبْنَاءَ اللَّهِ لَا تَأْخُذْ بِهٰؤُلَاءِ بَلَّغُوا الْوَعْدَ لِقَابِ رَبِّكُمْ إِنَّكُمْ كَادُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ شَاهِدِينَ (۹۴)»

۱ - کدخدایی، عباسعلی؛ فلاح سلوکیان، محمد (۱۳۹۰). نظام تشویق و تنبیه کارگزاران حکومتی در اسلام. حکومت اسلامی.

فَرَّقَتْ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي (۹۴)» [هنگامی که موسی باز آمد] گفت ای هارون، چون آنها را دیدی که گمراه شدند چه چیز تو را بازداشت (۹۲) از اینکه مرا پیروی کنی - که آنها را از پرستیدن گوساله بازداری یا از پی من آیی و خود را به من رسانی -؟ آیا فرمان مرا نافرمانی کردی؟ (۹۳) گفت ای پسر مادرم، ریش و سر مرا مگیر. من ترسیدم که بگویی میان فرزندان اسرائیل جدایی انداختی و گفتار - سفارش - مرا نگاه نداشتی (۹۴)». پس از اینکه بنی اسرائیل در غیبت موسی (ع) از طریق سامری به گوساله پرستی روی آوردند و به ارشادات هارون وقعی ننهادند، موسی (ع) در بازگشت، هارون را مورد حساب کشتی قرار داد و با شدت عصبانیت به او گفت که چرا از روش و سنت من در شدت عمل نسبت به بت پرستی پیروی نکردی. هارون در پاسخ گفت که فکر کردم اگر به مبارزه برخیزم و با آنها درگیر شوم، تفرقه شدیدی میان بنی اسرائیل می افتد و از این ترسیدم که هنگام بازگشت بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه افکندی و سفارش مرا که همانا اصلاح میان جامعه و در پیش نگرفتن راه مفسدان بود به کار نبستی؛ به این ترتیب هارون بیگناهی خود را اثبات کرد. براساس گفتمان موسی (ع) و هارون می توان نتیجه گرفت که:

- مدیران و کارکنان باید دستور مدیران الهی را مطابق ابلاغیه، اجرا کنند (مسئولیت پذیری).

- مدیران با توجه به توان خود تا حدی باید مطلوبها را پیگیری کنند که به تفرقه و فروپاشی

جامعه منجر نشود که این موضوع خط قرمز تلقی می شود (مسئولیت پذیری بر مبنای تنش زدایی).

- مدیران بالادست این اختیار را دارند که از مدیران زیردست حساب کشتی کنند و بابت تخطی

از سیاستهای تعیین شده سازمان و مدیریت، توضیح بخواهند و مدیران زیردست نیز باید به پاسخگویی مکلف باشند (مسئولیت خواهی و پاسخگویی).

اصل مسئولیت پذیری را می توان براساس «قاعده فقهی احسان» تبیین کرد. فرضاً اگر کسی که براساس احساس وظیفه شرعی و احراز اجازه شرع به نجات غریق اقدام می کند و انگیزه و هدف او نجات شخصی است که در حال غرق شدن است، اگر به دلیل این رفتار و در راستای تحقق نجات غریق، خسارت مالی و یا زیان جانی بر او وارد آورد، ضامن تلقی نمی شود مگر اینکه ثابت شود در این کار افراط و تفریط کرده و جوانب کار را رعایت نکرده است. آیا کسانی که در تصدی کار عمومی و خدمات عمومی اجازه دارند و مأمورند در صورت بروز خسارات از رفتاری که در راستای وظیفه مرتکب می شوند، مبرا از مسئولیت و ضمان خواهند بود؟ قاعده احسان را می توان به دولت، تمام کارکنان و مسئولان اداری و سیاسی جامعه تسری داد. سیره عملی پیامبر اسلام (ص)

بویژه در محاسبه کارگزاران و مأمورانی که تحت عناوین مختلف به کارهای دولتی گمارده می شدند و هم چنین سیره امام علی (ع) در بازخواست کارگزارانش به چشم می خورد، مسئولیت دولت را در برابر رفتار کارگزاران دولتی به وضوح اثبات می کند. در برخی موارد، خسارتها از بیت المال پرداخت می شده است و گاهی مأموران خطاکار به پرداخت خسارتها موظف می شدند و گاهی حتی دولت در برابر مسئولیتهای ناشی از آن، مسئول شناخته شده است؛ برای نمونه می توان به سیره نبوی و علوی در باب خطاهایی مراجعه کرد که خالد بن ولید در مأموریتی مرتکب شده بود. پیامبر اکرم (ص) با ابراز برائت از عملکرد این مأمور خطاکار، علی (ع) را مأمور پرداخت خسارت به کسانی فرمود که بر اثر جرائم خالد بن ولید زیان دیده بودند و فرمود: «به سوی این مردم ستمدیده به شتاب روانه شو و رسوم جاهلیت را زیر پا بگذار و دیه کسانی را بپردازد که به ناحق به دست خالد بن ولید کشته شده اند و خسارت اموال به غارت رفته آنان را جبران کن» (عمید زنجانی، ۱۳۸۶: ۸۳-۷۷).<sup>۱</sup>

اصل مسئولیت و پاسخگویی مدیران و کارگزاران در مقابل مردم و ذی نفعان، یکی از اصولی است که در آیات و روایات اسلامی بر آن تأکید زیادی شده است. برای شناسایی محورهای کلیدی این اصل مهم در سازماندهی، مراجعه به آیات قرآنی و روایات وارده از معصومین راهگشاست:

پاسخگویی مدیران و کارگزاران در مقابل مردم. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «آگاه باشید همه شما در برابر تعهدات خود، نگهبان و مسئولید؛ پس حاکم و کارگزار در مقابل مسئولیتی که بر عهده دارد در برابر مردم مسئول و متعهد است» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۴۳۴).<sup>۲</sup>

تعادل مسئولیت و پاسخگویی. امام علی (ع) در نامه ۳۱ خطاب به فرزند بزرگوارش امام حسن (ع)، تعادل مسئولیت را مورد توجه قرار می دهد و می فرماید: «بیش از تحمل خود بار مسئولیتها بر دوش مننه که سنگینی آن برای تو عذاب آور است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). امام علی (ع) هم چنین می فرماید: «هر که تو را در چیزی که طاقت آن را نداشته باشی تکلیف کند، در حقیقت در نافرمانی خود فتوا داده است» (آمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۷۲). بنابراین در واگذار کردن مسئولیتها، باید

۱ - عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶). قواعد فقه بخش حقوق عمومی. انتشارات سمت و مؤسسه تحقیقات علوم اسلامی.

۲ - جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). تفسیر انسان به انسان. قم: انتشارات اسراء.

توان و ظرفیت افراد را مورد توجه قرار داد؛ در غیر این صورت، فشار فیزیکی و روانی به تحلیل رفتگی افراد منجر می‌شود و هم‌چنین لوث شدن قوانین و دستورالعمل‌های سازمان و مدیران را به دنبال خواهد داشت.

اعتدال‌گرایی در مسئولیت‌پذیری. امام علی (ع) در نکوهش فرمانده شکست‌خورده خود در نامه ۶۱، اهمیت پرداختن به کارها در حوزه وظایف و اختیارات را یادآور می‌شود و می‌فرماید: «سستی انسان در کارهایی که بر عهده اوست و پافشاری در کاری که از مسئولیت او خارج است، نشانه ناتوانی آشکار و اندیشه ویرانگر است» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۱). مدیران باید مراقبت کنند که تنها در برابر مسئولیتها و اختیارات باید پاسخگو باشند و پرداختن به کارهای خارج از حیطه مسئولیت و غفلت از مسئولیتهای کاری (سستی در وظیفه و پافشاری در غیر وظیفه)، نه تنها مزیت به شمار نمی‌رود، بلکه نشانه «سبک مدیریت عاجزانه» (آشفستگی در اندیشه و ناتوانی در اجرا) است.

اصل مطلق بودن مسئولیت. امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «اگر دبیران تو را عیبی باشد و تو از آن غافل مانی بر آن بازخواست خواهی شد» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که واگذاری اختیار رافع مسئولیت نیست؛ چون مسئولیت را به عنوان تعهد نمی‌توان به دیگران واگذار کرد و هیچ‌بالا دستی نمی‌تواند با واگذاری اختیار از مسئولیت خود برای کارهای زیردستانش شانه خالی کند. بنابراین مسئولیت، مطلق است و مدیر باید در برابر اقدامات زیردستانش پاسخگو باشد (مقیمی، ۱۳۸۰: ۵۰).

تکلیف‌خواهی به جای نتیجه‌خواهی در پاسخگویی. تکلیف در دین به معنای موظف کردن در مقابل آموزه‌های الهی و پیروی از امر و نهی پروردگار است. مکلف، انسانی است که تابع طلب الهی (امر و نهی) باشد به گونه‌ای که حیات چنین انسانی به حدود شریعت الهی محدود است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵: ۲۳۸). خداوند متعال در آیه ۱۱۹ سوره بقره، اهمیت تکلیف را به جای نتیجه یادآور می‌شود و می‌فرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ»: «ما تو را برآستی نویدرسان و بیم‌دهنده فرستادیم و تو را از دوزخیان نپرسند». آموزه‌های این آیه عبارت است از اینکه: رهبران و مبلغان الهی به وظیفه مأمورند نه ضامن نتیجه. تشویق نیکوکاران و هشدار به بدکاران از اهداف دین و رهبران دینی است. بر اساس آموزه‌های این آیه مبارکه می‌توان دریافت که در اصل مسولیت‌پذیری، مدیر باید تمام تمرکز خود را بر اجرای وظیفه و تکلیف متمرکز کند؛ و پاسخگویی مدیر باید در زمینه کوتاهی نکردن در وظیفه باشد و حتی اگر نتیجه

مورد نظر به دست نیاید، چیزی از ارزش کار کم نمی‌کند. در آیه ۱۷۶ سوره آل عمران آمده است: «و آنان که در کافری می‌شتابند تو را اندوهگین نکنند که آنها هیچ زبانی به خدا نتوانند رسانند. خدا می‌خواهد برای آنان در آن جهان بهره‌ای قرار ندهد و آنها را عذابی است بزرگ». بر اساس آموزه‌های این آیه مبارکه، رهبران الهی مسئول هدایت مردم هستند نه مسئول نتیجه آن. خداوند متعال در آیه ۳ سوره شعراء می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»: «گویی می‌خواهی جان خود را به این دلیل که آنها ایمان نمی‌آورند از شدت اندوه بر باد دهی». بعضی مفسران چنین می‌گویند که سبب نزول آیه این بود که پیامبر(ص) مرتباً اهل مکه را به توحید دعوت می‌کرد؛ اما آنها ایمان نمی‌آوردند. پیامبر(ص) آن قدر ناراحت شده بود که آثار آن در چهره‌اش آشکار بود. این آیه نازل شد و پیامبر(ص) را دل‌داری داد. رهبران الهی دلسوز مردم هستند؛ لذا باید قدر آنها را دانست. مبلغان و رهبران الهی باید به پیام‌رسانی اقدام کنند و لازم نیست که از بابت ایمان نیاوردن مردم غمگین شوند و بیش از حد دلسوزی کنند. بر اساس آموزه‌های این آیه و آیه قبلی می‌توان گفت که تکلیف خواهی بر نتیجه خواهی در پاسخگویی مدیریت سازمان اولویت دارد.

سید محمد مقیمی

moghimi@ut.ac.ir

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی